





دانشگاه اصفهان
دانشکدهٔ زبانهای خارجی
گروه زبانشناسی

پایان نامه ی کارشناسی ارشد رشته ی زبانشناسی همگانی

شعرشناسی شناختی:

تحلیل پاره‌ای از استعارات برگرفته از اندامهای بدن در بوستان سعدی

استاد راهنما:

دکتر منوچهر توانگر

استاد مشاور:

دکتر محمد عموزاده مهدیرجی

پژوهشگر:

سلیمان قادری نجف‌آبادی

مهر ماه ۱۳۹۱

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات،
ابتکارات و نوآوری‌های ناشی از تحقیق
موضوع این پایان نامه متعلق به دانشگاه
اصفهان است.



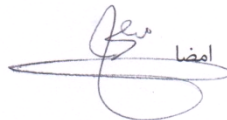
دانشگاه اصفهان
دانشکده زبانهای خارجی
گروه زبانشناسی

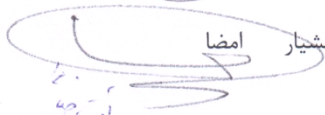
پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد رشته‌ی زبانشناسی همگانی آقای سلیمان قادری
تحت عنوان

شعرشناسی شناختی:

تحلیل پاره‌ای از استعارات برگرفته از اندامهای بدن در بوستان سعدی

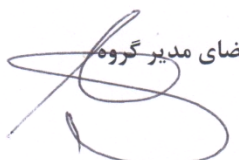
در تاریخ ۱۳۹۷/۸/۲۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجهٔ «خیلی خوب» به تصویب نهایی رسید.

۱- استاد راهنمای پایان نامه دکتر منوچهر توانگر با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا 

۲- استاد مشاور پایان نامه دکتر محمد عموزاده با مرتبه‌ی علمی دانشیار امضا 

۳- استاد داور داخل گروه دکتر حدائق رضائی با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا 

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر احمد معین‌زاده با مرتبه‌ی علمی استادیار امضا 

امضای مدیر گروه 

**در ارائه این اثر عزیزانی نقش داشتند که ذکر نام آنها فقط تشکر
بسیار کوچکی از زحمات بزرگ آنها است**

استاد صبور و باتقوا؛ جناب آقای دکتر منوچهر توانگر که در کمال سعه صدر، با حسن خلق و
فروتنی، از بیچ لگی در این عرصه بر من دریغ نمودند و زحمت راهنمایی این رساله را بر عهده
گرفتند؛

استاد با کمالات و شایسته، جناب آقای دکتر محمد عموزاده که زحمت مشاوره این رساله را در
حالی متقبل شدند که بدون مساعدت ایشان، این اثر به نتیجه مطلوب نمی رسید؛

و کلیه اساتید گروه زبان‌شناسی دانشگاه اصفهان که ذره ذره موفقیت اینجانب در این اثر مدیون
ارشاد آنهاست.

تقدیم بہ:

پدرم بہ استواری کوه

مادرم بہ زلالی چشمہ

ہمسرم بہ صمیمیت باران

دخترم بہ سکوہ ہستی

چکیده

در قلمروی زبان‌شناسی شناختی، محققین زیادی بر نقش شایان اهمیت استعاره در امر مفهوم‌پردازی تجارب انسان در جهان تأکید داشته‌اند. در این رابطه، اندام‌های بدن همواره به‌عنوان حوزه‌ای مبدأ در امر مفهوم‌پردازی مفاهیم متنوع در اغلب فرهنگها لحاظ می‌شده‌اند. از این رو، جهت بررسی تعامل میان زبان، شناخت، بدن و فرهنگ، مطالعه حاضر تلاش دارد تا به تحلیل پاره‌ای از استعارات مبتنی بر واژگان اندام‌های بدن در *بوستان سعدی* بپردازد. در این راستا، در ابتدا اندام‌های چشم، دل، جگر و سینه برگزیده شدند و سپس تحلیل عبارات استعاری آنها برپایه دیدگاه‌های زبان‌شناسی شناختی و شعرشناسی شناختی به خصوص با ارجاع به نظرات کوچش (۲۰۱۰) و لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) به انجام رسید. سؤالات مطرح در این مطالعه شامل این موارد هستند: ۱. چه نوع مفاهیمی از طریق استعارات مبتنی بر واژگان اندام‌های بدن در زبان فارسی منتقل می‌شوند؟ ۲. بعضی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار انطباق‌های مفهومی بین حوزه‌ای کدامند؟ ۳. چه نوع ابزارهایی در زایش خلاقیت استعاری در شعر مورد استفاده واقع می‌شوند؟

تحلیل داده‌ها در ابتدا نشان می‌دهد که دل و چشم، واژگانی زایا در مفهوم‌پردازی احساسات (عشق، تمایل، شادی، غم، اضطراب)، قوای ذهنی (دانستن، درک‌کردن، فکرکردن)، ارزش‌های فرهنگی (احترام، صداقت)، ویژگی‌های شخصیتی (حرص، بی‌رحمی، آگاهی) و وقایع محسوس (مرگ، زمان) می‌باشند. جگر و سینه عمدتاً در بوستان به مفهوم‌پردازی احساس "غم" می‌پردازند. اصولاً همه این اندامها در مفهوم‌پردازی احساسات از ابراستعاره "بدن ظرفی برای احساسات است" تبعیت می‌کنند. دل اندام سرنمون در مفهوم‌پردازی احساسات به خصوص "عشق" و "غم" می‌باشد و عمدتاً در تحقق این مفهوم‌پردازی از طرحواره تصویری "طرف" استفاده می‌کند. انطباق‌های مفهومی دیگر از سایر طرحواره‌های تصویری چون "حرکت" و "قدرت" بهره می‌گیرند. مطالعه حاضر حاکی از آن است که در عبارات مبتنی بر اندام‌های بدن، مجاز بین جزء و جزء بیش از مجاز بین کل و جزء خود را نشان می‌دهد.

با بررسی داده‌ها مشاهده شد که تصور بشری در بهره‌گیری از استعارات و مجازهای بررسی شده در این مطالعه مدخلیت دارد، اما به‌نظر می‌رسد این تصویرپردازی در ساختار بدن و تقسیم کار برای اندام‌های بدن ریشه دارد. غالباً استعاره و مجاز در تعامل بین بدن و فرهنگ به ظهور می‌رسند. این درحالی است که بدن یک حوزه مبدأ بالقوه جهانی برای استعارات و مجازهای ساختاریبخش مفاهیم انتزاعی می‌باشد و الگوهای فرهنگی ایجادگر منظرهایی خاص می‌باشند که از خلال آنها ابعاد معینی از تجارب بدنی و اندام‌های خاصی در درک آن مفاهیم، برجسته شده و اهمیت می‌یابند. برخی از این الگوهای فرهنگی در ایران برگرفته از طب سنتی ایرانی و نظام‌های عقیدتی روحانی پارسی چون جهان‌بینی مکتب صوفیه و مذهب اسلام می‌باشند. "الگوهای فرهنگی" در کنار "اصل تغییرناپذیری" به‌همراه "استعارات اولیه شکل‌دهنده استلزامات استعاری" و "کانون معنای اصلی" تعیین‌گر ماهیت انطباق‌یافته از حوزه مبدأ به حوزه مقصد و چگونگی آن انطباق می‌باشند. علاوه بر این، یافته‌ها نشان می‌دهد که در تعامل میان استعاره، مجاز و طرحواره تصویری، استعاره سازنده الگوی اصلی تعامل است، جایی که مجاز و طرحواره تصویری جای می‌گیرند. در این تعامل، طرحواره‌های تصویری دو عملکرد عمده دارند: از طرفی آنها توجیه‌گر رابطه موجود بین حوزه‌های مبدأ و مقصد در یک انطباق مجازی هستند و از طرف دیگر تعیین‌کننده یک معیار ارزش‌دهی به یک عبارت استعاریند.

در پایان، این تحقیق به مطالعه برخی از استعارات نوی شعری برپایه دیدگاه ارائه شده توسط لیکاف و ترنر (۱۹۸۹) می-پردازد. این کار نشان می دهد که شاعران اغلب استعارات مفهومی را که در شعر بکار می گیرند، با مردم عامی شریکند، لذا خلاقیت استعاری در شعر می تواند نتیجه بهره گیری شاعران از چهار ابزار مفهومی در بکارگیری و تغییر استادانه این استعارات مفهومی مشترک باشد. سعدی، در کتاب *بوستان*، بیشترین بهره را از ابزار ترکیب، کمترین بهره را از ابزار پرسش و بهره ای میانه از ابزارهای پیچیده سازی و گسترش برده است. مطلب دیگر، اینکه در مفهوم پردازی استعاری یک تفکر، شاعران تحت "فشار انسجام" قرار دارند: فشاری که برآمده از تجارب بدنی و همچنین بافت محاط بر آنهاست. بر اساس این تحقیق، نگارنده پیشنهاد می کند که برای نائل شدن به گزارشی جامع از خلاقیت استعاری در شعر نیاز است به نقش بافتی که شاعر در آن شعر می آفریند، نیز توجه کنیم.

کلیدواژه ها: استعاره، شعرشناسی شناختی، بوستان، اندامهای بدن

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	فصل اول: طرح تحقیق
۱-۱-۱-۱	موضوع تحقیق
۱-۱-۲-۱	هدف تحقیق
۱-۱-۳-۱	ضرورت و اهمیت تحقیق
۱-۱-۴-۱	روش تحقیق و نحوه گردآوری داده‌های زبانی
۱-۱-۵-۱	تعریف مفاهیم
۱-۱-۶-۱	ساختار تحقیق
	فصل دوم: مروری بر پیشینه تحقیق
۱-۲-۱-۱	مقدمه
۱-۲-۲-۱	استعاره از دیدگاه‌های مختلف
۱-۲-۲-۲-۱	دیدگاه‌های سنتی در باب استعاره
۱-۲-۲-۲-۱-۱	نظریه قیاسی
۱-۲-۲-۲-۱-۲	نظریه تعاملی
۱-۲-۲-۲-۱-۳	نظریه کنش‌گفتاری
۱-۲-۲-۲-۲	پیدایش و رشد دیدگاه‌های شناختی در باب استعاره
۱-۲-۳-۲	ماهیت استعاره مفهومی
۱-۲-۴-۲	استعاره و احساس
۱-۲-۵-۲	تعامل میان بدن، فرهنگ و استعاره
۱-۲-۶-۲	طرحواره‌های تصویری
۱-۲-۷-۲	نقش طرحواره‌های تصویری در بیان احساسات
۱-۲-۸-۲	اندامهای بدن در امر واژه‌سازی
۱-۲-۹-۲	استعاره دل و چشم
۱-۲-۹-۱	کاربرد استعاره دل

۳۰	۲-۹-۲- کاربرد استعاره‌ی چشم
۳۱	۲-۱۰-۱- شعرشناسی شناختی
۳۱	۲-۱۰-۱- انگیزش و مفاهیم
۳۳	۲-۱۰-۲- نظریات تسور و ترنر پیرامون شعرشناسی شناختی
۳۴	۲-۱۰-۳- تحقیق در حوزه شعرشناسی شناختی و استعاره شعری
۳۸	۲-۱۱- مطالعه در زمینه استعارات بوستان
۳۸	۲-۱۲- جمع‌بندی

فصل سوم: چهارچوب نظری تحقیق

۴۰	۳-۱- مقدمه
۴۰	۳-۲- اصول زبان‌شناسی شناختی و استعاره مفهومی
۴۲	۳-۳- شعرشناسی شناختی و استعاره شعری
۴۳	۳-۴- حوزه‌های مبدأ و مقصد
۴۴	۳-۵- معیارهای شناخت انواع استعاره‌های مفهومی
۴۴	۳-۵-۱- متعارف بودن استعاره
۴۵	۳-۵-۲- کاربرد شناختی استعاره
۴۵	۳-۵-۲-۱- استعارات ساختاری
۴۶	۳-۵-۲-۲- استعارات هستی‌شناختی
۴۸	۳-۵-۲-۳- استعارات جهت‌مند
۵۰	۳-۵-۳- ماهیت استعاره
۵۲	۳-۵-۴- عمومیت یک استعاره
۵۴	۳-۶- ابراستعاره
۵۴	۳-۷- پایه استعاره
۵۶	۳-۸- ماهیت ناقص انطباق‌های استعاره‌ی

عنوان	صفحه
۹-۳- الگوهای شناختی	۵۷
۱۰-۳- کالبدی شدن	۵۸
۱۱-۳- استلزام استعاری	۵۹
۱۲-۳- گستره استعاره، کانون معنای اصلی، انطباقهای اولیه و استعارات ساده	۶۰
۱۳-۳- نظامهای استعاری	۶۲
۱۴-۳- تنوع فرهنگی در استعارات و عوامل مؤثر بر آن	۶۳
۱۵-۳- مجاز	۶۵
۱۶-۳- نظریه آمیزه مفهومی و استعارات نو	۶۷
۱۷-۳- استعاره از منظر شاعر	۷۰
۱-۱۷-۳- گسترش	۷۰
۲-۱۷-۳- پیچیده‌سازی	۷۱
۳-۱۷-۳- پرسش	۷۱
۴-۱۷-۳- ترکیب	۷۲
۱۸-۳- روش تحقیق	۷۲
۱۹-۳- جمع‌بندی	۷۳

فصل چهارم: تجزیه و تحلیل داده‌ها

۱-۴- مقدمه	۷۴
۲-۴- مفهوم‌پردازی اندامهای چشم، دل، جگر و سینه در بوستان	۷۵
۱-۲-۴- استعاره چشم	۷۶
۱-۱-۲-۴- چشم و حوزه عملکردهای ذهنی	۷۷
۲-۱-۲-۴- چشم و حوزه وقایع محسوس یا جسمانی	۸۰
۳-۱-۲-۴- چشم و حوزه احساسات	۸۳
۴-۱-۲-۴- چشم و حوزه ویژگیهای شخصیتی	۸۷

عنوان	صفحه
۴-۲-۱-۵- چشم و حوزه ارزشهای فرهنگی	۹۰
۴-۲-۱-۶- استعاره "عام خاص است."	۹۰
۴-۲-۲- استعاره دل	۹۱
۴-۲-۱- دل و حوزه عملکردهای ذهنی	۹۲
۴-۲-۲- دل و حوزه وقایع محسوس یا جسمانی	۹۵
۴-۲-۳- دل و حوزه احساسات	۹۹
۴-۲-۴- دل و حوزه ویژگیهای شخصیتی	۱۰۹
۴-۲-۵- دل و حوزه ارزشهای فرهنگی	۱۱۰
۴-۲-۳- استعاره سینه	۱۱۱
۴-۲-۴- استعاره جگر	۱۱۱
۴-۳- مجاز در زیربنای استعاره	۱۱۲
۴-۴- طرحواره‌های تصویری در زیربنای استعاره	۱۱۵
۴-۵- تعامل استعاره و مجاز و طرحواره‌های تصویری در ساخت یک انطباق استعاری	۱۱۸
۴-۶- الگوهای فرهنگی و فشار انسجام	۱۲۳
۴-۷- تحلیل استعاره از منظر ابزارهای شاعری	۱۳۰
۴-۷-۱- گسترش	۱۳۱
۴-۷-۲- پیچیده‌سازی	۱۳۲
۴-۷-۳- پرسش	۱۳۳
۴-۷-۴- ترکیب	۱۳۵
۴-۸- جمع‌بندی	۱۳۷

فصل پنجم: نتیجه‌گیری و ارائه یافته‌های تحقیق

۵-۱- مقدمه	۱۳۸
۵-۲- مفهوم‌پردازی اندامهای بدن در استعارات بوستان	۱۳۹

صفحه	عنوان
۱۴۵	۳-۵- بررسی ساختار انطباقهای بین حوزه‌های
۱۴۹	۴-۵- تعامل بین زبان، شناخت، بدن و فرهنگ
۱۵۱	۵-۵- ابزارهای شاعر در آفرینش انطباقهای نوی استعاری
۱۵۳	۶-۵- محدودیتهای تحقیق و پیشنهادات
۱۵۴	پیوست
۱۷۰	فهرست منابع

فهرست شکل‌ها

صفحه	عنوان
۲۵.....	شکل ۱-۲- تبدیل شدن اسم به حرف اضافه و وند در زبانهای آفریقایی.....
۶۶.....	شکل ۱-۳- انطباقها در استعاره.....
۶۶	شکل ۲-۳- انطباقها در مجاز
۶۸	شکل ۳-۳- آمیزه مفهومی.....
	شکل ۱-۴- انطباقهای استعاری و مجازی و رابطه آنها با یکدیگر در اغلب استعارات حاوی واژه چشم در
۱۲۰	زبانهای فارسی، انگلیسی و چینی.....
۱۲۱	شکل ۲-۴- انطباق استعاری در عبارت "چشم داشتن".....
۱۲۱	شکل ۳-۴- انطباق استعاری در عبارت "دل ربودن"
۱۲۲	شکل ۴-۴- انطباق استعاری در عبارت "دل شکستن".....
۱۴۰	شکل ۱-۵- بخشی از الگوی شناختی چشم در زبان فارسی
۱۴۱.....	شکل ۲-۵- بخشی از الگوی شناختی دل در زبان فارسی.....

فهرست جدول‌ها

صفحه	عنوان
۴۶.....	جدول ۳-۱- انطباق‌های "عشق سفر است" با اقتباس از ایوانز (۲۰۰۷: ۱۳۷).....
۴۷.....	جدول ۳-۲- نمونه کاربردهای استعاره هستی‌شناختی با اقتباس از کوچش (۲۰۱۰: ۳۹).....
۶۱.....	جدول ۳-۳- نمونه انطباقها و استعارات اولیه با اقتباس از کوچش (۲۰۱۰: ۳۹).....
۱۱۳.....	جدول ۴-۱- مجازهای مفهومی بکاررفته در استعارات مبتنی بر واژگان اندامهای بدن در بوستان و نمودی از آنها.....

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱ موضوع تحقیق

شاخهٔ زبانشناسی شناختی در اوایل دههٔ هفتاد جوانه زد و با تلاش صاحب‌نظرانی چون لیکاف، جانسون، ترنر، کُوجِش، لانگکر، کرافت، کروزر، فوکونیه و تالمی^۱ به رشد و بالندگی رسید. این شاخه که واکنشی در برابر نادیده گرفتن یا کم‌اهمیت شمردن معنی در رویکرد صورتگرا بود، به سرعت در عرصه‌هایی چون روانشناسی، عصب‌شناسی، فلسفه و نقد ادبی ریشه دواند. به عقیدهٔ شناختگرایان تنها با مطالعهٔ معنی و قوای شناختی، یافته‌های زبانشناسی می‌توانند واقعیت روانشناختی داشته باشند، به عبارت دیگر، راه شناخت هر سیاقی از زبان از مسیر مطالعهٔ قوای شناختی انسان می‌گذرد؛ لذا، یکی از دلایل مهم مطالعهٔ زبان، در این دیدگاه این بوده که ”زبان، الگوهای اندیشه و ویژگی‌های ذهن انسان را منعکس می‌کند“ (کرافت و کروزر، ۲۰۰۴: ۲۰۶). از این منظر، می‌توان گفت که ”زبانشناسی شناختی در اصل، رویکردی به مطالعهٔ زبان بر اساس تجربیات ما از جهان، نحوهٔ درک و شیوهٔ مفهوم سازی است“ (راسخمهند، ۱۳۸۹: ۶). این بدان معنی است که شناختگرایان به بررسی رابطهٔ بین زبان انسان، ذهن او، تجارب کالبدی و بافت اجتماعی می‌پردازند. لازم به ذکر است که زبانشناسی شناختی چهارچوبی

¹ G. Lakoff, M. Johnson, M. Turner, Z. Kovecses, R. Langacker, W. Croft, A. Cruse, G. Fauconnier & L. Talmy

انعطاف‌پذیر دارد و نظریه واحدی به‌شمار نمی‌رود. مباحث عمده‌ای چون استعاره^۱، مجاز^۲، طرحواره‌های تصویری^۳، الگوهای شناختی^۴، معنای دایره‌المعارفی^۵، معنی‌شناسی قالبی^۶، مقوله‌بندی^۷، فضاهاى ذهنی^۸، مقولات شعاعی^۹ و نظایر آن از اصول این رویکرد به‌شمار می‌روند که در مباحث متنوع آن چون نقد ادبی لحاظ می‌شوند. شعرشناسی شناختی^{۱۰} در کنار نگاه به مطالعه علوم زبان مجاز در گذشته، از اصول امروزه علم شناختی برای تفسیر متون ادبی بهره می‌گیرد. به عبارتی دیگر، "شعرشناسی شناختی یک نظریه ادبی است که ریشه در زبان متون ادبی و راهکارهای زبان‌شناسی شناختی برای درک خوانندگان از آن متون دارد" (فریمن^{۱۱}، ۱۹۹۷: ۴). یکی از پایه‌های اصلی شعرشناسی شناختی بر نظریه استعاره مفهومی^{۱۲} استوار است. لیکاف و جانسون (۱۹۸۰: ۳۷) با مطالعات شناختی خود نشان دادند که استعاره صرفاً ابزاری زبانی برای بیان اندیشه نبوده، بلکه راهی برای اندیشیدن درباره چیزهاست. از این رو این دو محقق به نقش استعاره مفهومی^{۱۳} و جاری بودن آن در زندگی و کلام روزمره ما اشاره کرده‌اند. آنها استعاره شعری را بسطی از استعاره زبان روزمره می‌دانند. صاحب‌نظران دیدگاه استعاره مفهومی، نشان داده‌اند که چگونه این استعارات به ما امکان می‌دهند که به درک مفاهیم انتزاعی از طریق مفاهیم عینی و تجارب بدنی نائل شویم. آنها همچنین به قدرت این استعارات در خلق جهانی که مشاهده می‌کنیم، اشاره کرده‌اند (ر.ک. کوچش، ۲۰۱۰؛ لیکاف و ترنر، ۱۹۸۷؛ لیکاف و جانسون، ۱۹۸۰).

طبق نظریه استعاره مفهومی، ساختار مفهومی بر اساس انطباق^{۱۴} بین دو حوزه شناختی شکل می‌گیرد. حوزه مبدأ^{۱۵} اصولاً حوزه مفاهیم عینی است که برای درک بهتر مفاهیم حوزه مقصد^{۱۶} که معمولاً مفاهیم انتزاعی هستند، بکار می‌رود. یکی از حوزه‌های عینی که در استعاره از آن کمک می‌گیریم حوزه اندامهای بدن است. وفور و برجستگی بهره‌گیری از اندامهای بدن در آفرینش استعارات روزمره و شعر شاهد این مدعاست. تحقیقات زیاد

1 metaphor

2 metonymy

3 image-schemas

4 cognitive models

5 encyclopedic meaning

6 frame semantics

7 categorization

8 mental spaces

9 radial categories

10 cognitive poetics

11 M. Freeman

12 Conceptual Metaphor Theory

13 Conceptual metaphor

14 mapping

15 source domain

16 target domain

انجام شده نشان می‌دهد که استفاده از حوزه اندامهای بدنی در استعارات تا حد زیادی جزء جهانی‌های شناختی زبان به‌شمار می‌آید که البته عواملی چون فرهنگ باعث ظهور افتراقاتی در شکل‌گیری این استعارات می‌شود (ر.ک. گوتیرز پرز، ۲۰۰۸؛ کوچش، ۲۰۱۰).

از آنجا که یکی از اصیل‌ترین نشانه‌های فرهنگی هر کشور، ادبیات آن کشور بخصوص آثار ماندگار آن است؛ لذا بررسی آثار ادبی خلق شده ما را با عوامل فرهنگی یک زبان آشنا می‌کند. تأثیر کار زمانی افزایش می‌یابد که ما دست به بررسی عناصری بزنیم که بیشتر با فرهنگ یک جامعه مرتبطاند. همانگونه که اشاره کردیم، یکی از این عناصر، استعاره است، که از انواع رایج آن در اکثر زبانها و فرهنگها می‌توان از استعارات حاوی واژگان اندامهای بدن^۱ نام برد. از این‌رو، مطالعه حاضر با موضوع شعرشناسی شناختی: تحلیل پاره‌ای از استعارات برگرفته از اندامهای بدن در بوستان سعدی قصد دارد در جهت آشنایی با نظام استعاری، فکری و فرهنگی زبان فارسی به تحلیل پاره‌ای از استعارات برگرفته از اندامهای بدن در بوستان سعدی در چهارچوب شعرشناسی شناختی بپردازد. از جمله مسائل دیگری که تحقیق حاضر در پی یافتن جواب‌هایی برای آنهاست، این خواهد بود که چه مفاهیمی از طریق این قبیل استعارات منتقل می‌شوند، چه عواملی در ساخت این استعارات مدخلیت دارند و آخر اینکه انطباقهای بدیع شعری چگونه به وجود می‌آیند.

۲-۱ هدف تحقیق

هدف اصلی این تحقیق، دستیابی به توصیف و تحلیل شماری از استعارات حاوی واژگان اندامهای بدن در کتاب بوستان در چهارچوب شعرشناسی شناختی می‌باشد. در راستای نیل به هدف اصلی رسیدن به اهداف زیر هم تا حد امکان مطلوب می‌باشد:

۱. تبیین برخی مفاهیم منتقل شده از طریق کاربرد استعارات مبتنی بر واژگان اندامهای بدن در زبان فارسی.
 ۲. بررسی مختصر ساختار انطباقهای بین حوزه‌ای.
 ۳. شناخت برخی از ابزارهای مورد استفاده شاعر در شکل‌دهی انطباقهای نوی شعری.
- دستیابی به اهداف بالا در جهت ارائه پاسخی مناسب و هر چند مختصر به سؤالات این تحقیق ضروری می‌نماید. این پرسش‌ها شامل این موارد هستند:

۱. در زبان فارسی چه مفاهیمی از طریق استعارات مبتنی بر واژگان اندامهای بدن، منتقل می‌شوند؟
۲. بعضی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری ساختار انطباقهای بین حوزه‌ای کدامند؟

¹ body-parts metaphors

۳. شاعر از چه ابزارهای در آفرینش انطباقهای نوی شعری بهره می‌گیرد؟

۱-۳ ضرورت و اهمیت تحقیق

یکی از مسائلی که توجه علوم مختلف بخصوص علم زبانشناسی را به خود جلب کرده است، شناخت تعامل بین زبان، بدن، فرهنگ و طرز فکر سخنگویان یک زبان و گاهی مقایسه نتایج آن با زبانهای دیگر دنیا در جهت کشف جهانی‌های زبانی و گاهی فرهنگی است. زبانشناسی شناختی با تأکید بر معنی، در دهه‌های اخیر به سبب طیف متنوعی از مطالعات بخصوص در زمینه استعاره، نقش مهمی را در این عرصه ایفا کرده است. این امر بدان دلیل است که، به عقیده بنیانگذاران این دیدگاه، استعاره، زیربنای تفکر و تجارب بشری را تشکیل می‌دهد.

مطالعه حاضر نیز امیدوار است، در جهت شناخت تعامل بین زبان، بدن، فرهنگ و ذهن و همچنین پاره‌ای از ضروریات مرتبط با آن، گامی هر چند کوچک بردارد. ضروریاتی که در این رابطه احساس می‌شوند این است که در ابتدا، بررسی مفاهیم استعاری آثار برجسته زبان ادب فارسی چون بوستان، در کنار روشنگری‌هایی در زمینه چگونگی خلق استعارات شعر، در جهت شناخت و تبیین مبانی و نظام فکری، کالبدی و فرهنگی سخنگویان زبان و ادب فارسی نقشی حیاتی دارد. در ادامه، انجام این مطالعات می‌تواند معرف افقی جدید از این نظامها به سخنگویان سایر زبانها و مؤید آنها در شناخت زبان، فرهنگ و ادبیات فارسی باشد. علاوه بر این، انجام این مطالعات می‌تواند یاریگر محققان عرصه مطالعات شناختی استعاره در انجام کارهای بین زبانی و بین فرهنگی باشد. در پایان، به نظر می‌رسد چنین مطالعاتی، با توصیفی که از ساختار و مفاهیم استعاری زبان ادبیات ارائه می‌دهند، مسیر انجام ترجمه‌های بهتر از کتب ادبی را ممکن سازند.

۱-۴ روش تحقیق و نحوه گردآوری داده‌های زبانی

تحقیق حاضر، مطالعه‌ای توصیفی است که در جهت تحلیل شناختی پاره‌ای از استعارات مبتنی بر اندامهای دل (قلب)، چشم (دیده)، جگر و سینه در اثر منظوم بوستان بنا شده است. برگزیدن این کتاب به سبب جاودانگی شعر و زبان سعدی در فرهنگ و زبان مردم ایران، قابل فهم بودن این اثر توسط اکثر اقشار مردم و نیز سرشار بودن کتاب بوستان از استعارات است، بخصوص استعارات مبتنی بر واژگان اندامهای بدن که تا میزان زیادی در فرهنگ و تفکر و زبان ما ریشه دوانده‌اند. انتخاب اندامهای مذکور، بخصوص دل و چشم، از یک سو به جهت آمیختگی نسبتاً زیاد این دو اندام در نظام استعاری جامعه ما و از سوی دیگر محدود کردن کار و همچنین مقایسه نسبی کار با تحقیقات انجام شده قبلی در زبان فارسی و سایر زبانها صورت گرفته است.

در جهت آماده‌سازی داده‌ها، پس از برگزیدن ابیات حاوی عبارات مبتنی بر اندامهای ذکر شده، با مشورت اساتید